

«چهل حدیث» از امیرالمؤمنین علی (ع)

علی علیه السلام فرمود: دو گروه به خاطر من هلاک شدند؛ دوستی که اندازه نگاه نداشت و دشمنی که بغض - مرا - در دل کاشت.

استخراج حدیث و کلمات قصار در بین روایات منقول از ائمه معصومین علیهم السلام در قالبهای مختلفی صورت می‌گیرد که یکی از آنها سنت چهل حدیث است، چهل حدیث زیر که از منابع صحیح روایی است به همه علاقه‌مندان امیر مؤمنان تقدیم می‌شود:

1- خیر پنهانی و کتمان گرفتاری

مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ الْيُسْرَى وَ إِخْفَاءُ الْعَمَلِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا وَ كِتْمَانُ الْمَصَائِبِ.

از گنجهای بهشت؛ نیکی کردن و پنهان نمودن کار[نیک] و صبر بر مصیبت‌ها و نهان کردن گرفتاری‌ها (یعنی عدم شکایت از آنها) است.

2- ویژگی‌های زاهد

الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَهُ، وَ لَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ.

زاهد در دنیا کسی است که حرام بر صبرش غلبه نکند، و حلال از شکرش باز ندارد.

3- تعادل در جذب و طرد افراد

«أَحْبِبْ حَبِيبَكَ هَوًّا مَا عَسَى أَنْ يَعْصِيَكَ يَوْمًا مَا، وَ أَبْغُضْ بَغِيضَكَ هَوًّا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا»

با دوستت آرام بیا، بسا که روزی دشمنت شود، و با دشمنت آرام بیا، بسا که روزی دوستت شود.

4- بهای هر کس

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُ.

ارزش هر کسی آن چیزی است که نیکو انجام دهد.

5- فقیه کامل

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ؟ مَنْ لَمْ يُرَخِّصِ النَّاسَ فِي مَعَاصِي اللَّهِ وَ لَمْ يُقَيِّطْهُمْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يَدْعِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَى مَا سِوَاهُ، وَ لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ، وَ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَكُّرٌ، وَ لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ.»

آیا شما را از فقیه کامل، خبر ندهم؟ آن که به مردم اجازه نافرمانی خدا را ندهد، و آنها را از رحمت خدا نومید نسازد، و از مکر خدایشان آسوده نکند، و از قرآن رو به چیز دیگر نکند، و خیری در عبادت بدون تفقه نیست، و خیری در علم بدون تفکر نیست، و خیری در قرآن خواندن بدون تدبّر نیست.

6- خطرات آرزوی طولانی و هوای نفس

إِنَّمَا أَخْشَى عَلَيْكُمْ اثْنَيْنِ: طَوْلَ الْأَمَلِ وَ إِيْبَاعَ الْهَوَى، أَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ وَ أَمَّا إِيْبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ.»

همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم: درازی آرزو و پیروی هوای نفس. اما درازی آرزو سبب فراموشی آخرت شود، و اما پیروی از هوای نفس، آدمی را از حقّ باز دارد.

مرز دوستی-7

«لَا تَتَّخِذْ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَتَعْدِيَ صَدِيقَكَ»

با دشمن دوستت مشو که [با این کار] با دوستت دشمنی می‌کنی.

اقسام صبر-8

«أَلَصَّبِرُ ثَلَاثَةً: أَلَصَّبِرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَ أَلَصَّبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ أَلَصَّبِرُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ»

صبر بر سه گونه است: صبر بر مصیبت، و صبر بر اطاعت، و صبر بر [ترک] معصیت.

تنگدستی مقدر-9

مَنْ ضَيَّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ، قَلَّمَ يَظُنُّ أَنَّ ذَلِكَ خُسْنٌ نَظَرَ مِنَ اللَّهِ لَهُ فَقَدْ ضَيَّعَ مَأْمُولًا
وَ مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ قَلَّمَ يَظُنُّ أَنَّ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنَ اللَّهِ فَقَدْ أَفْنَى مَحْوَلاً

هر که تنگدست شد و نپنداشت که این از لطف خدا به اوست، یک آرزو را ضایع کرده و هر که وسعت در مال یافت و نپنداشت که این یک غافلگیری از سوی خداست، در جای ترسناکی آسوده مانده است.

عزت، نه ذلت-10

الْمَنِيَّةُ وَ لَا الدِّيَّةُ وَ النَّجْدُ وَ لَا التَّبَلُّدُ وَ الدَّهْرُ يَوْمَانِ: فَيَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرُ، وَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَلَا تَحْزَنُ فَيَكِلِيَهُمَا سَخَّخْتَبُرُ

مردن نه خوار شدن! و بی باکی نه خود باختن! روزگار دو روز است، روزی به نفع تو، و روزی به ضرر تو! چون به سودت شد شادی مکن، و چون به زیانت گردید غم مخور، که به هر دوی آن آزمایش شوی.

طلب خیر-11

مَا حَارَ مَنْ اسْتَخَارَ، وَ لَا تَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ

هر که خیر جوید سرگردان نشود، و کسی که مشورت نماید پشیمان نگردد.

وطن دوستی-12

غُمِرَتِ الْإِلَادُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ

شهرها به حبّ و دوستی وطن آباداند.

سه شعبه علوم لازم-13

أَلْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: أَلْفِقْهُ لِلدِّيَانِ، وَ الطَّبِّ لِلْإِبْدَانِ، وَ النَّحْوِ لِلْإِنْسَانِ

دانش سه قسم است: فقه برای دین، و پزشکی برای تن، و نحو برای زبان.

سخن عالمانه-14

تَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ.

عالمانه سخن گویند تا قدر شما روشن گردد.

15- منع تلقین منفی

لَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ يَفْقَرُ وَلَا طَوْلَ عُمُرٍ.

فقر و تنگدستی و طول عمر را به خود تلقین نکن.

16- حرمت مؤمن

سِيَابُ الْمُؤْمِنِ فِسْقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ.

دشنام دادن به مؤمن فسق است، و جنگیدن با او کفر، و احترام مالش چون احترام خورش است.

17- فقر جانکاه

الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ، وَ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ التَّيَسَّاتِ وَ هُوَ يَصِفُ الْعَيْشَ

فقر و نداری بزرگترین مرگ است! و عائله کم یکی از دو توانگری است، که آن نیمی از خوشی است.

18- دو پدیده خطرناک

أَهْلَكَ النَّاسَ اثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلَبُ الْفَخْرِ.

دو چیز مردم را هلاک کرده: ترس از نداری و فخرطلبی.

19- سه ظالم

الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِينُ عَلَيْهِ وَ الرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ ثَلَاثَةٌ.

شخص ستمکار و کمک کننده بر ظلم و آن که راضی به ظلم است، هر سه با هم شریکانند.

20- صبر جمیل

الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ، وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ

صبر بر دو قسم است: صبر بر مصیبت که نیکو و زیباست، و بهتر از آن صبر بر چیزی است که خداوند آن را حرام گردانیده است.

21- ادای امانت

أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلٍ وَ لِدِ الْأَنْبِيَاءِ

امانت را بپردازید گرچه به کشنده فرزندان پیغمبران باشد.

22- پرهیز از شهرت طلبی

قَالَ (عَلِيهِ السَّلَامُ) لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ: رُؤْيَاكَ لِاتِّشْهَرُ، وَ أَخْفَى شَخْصَكَ لَا تُذَكِّرُ، تَعْلَمُ تَعْلَمُ وَ اصْمُتْ تَسْلَمُ، لَا

عَلَيْكَ إِذَا عَزَّكَ دِينُهُ، لَا تَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَكَ.

آرام باش، خود را شهره مساز، خود را نهان دار که شناخته نشوی، یاد گیر تا بدانی، خموش باش تا سالم بمانی.

بر تو هیچ باکی نیست، آن گاه که خدا دینش را به تو فهمانید، که نه تو مردم را بشناسی و نه مردم تو را (بشناسند (یعنی، گمنام زندگی کنی).

عذاب شش گروه -23

إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ سِتَّةَ سَيِّئَةٍ : أَلْعَرَبَ بِالْعَصَبِيَّةِ وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبَرِ وَالْأَمْرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ وَالتَّجَارَ بِالْخِيَاةِ وَأَهْلَ الرِّسْتَاقِ بِالْجَهْلِ.

خداوند شش کس را به شش خصلت عذاب کند: عرب را به تعصب، و خان‌های ده را به تکبر، و فرمانروایان را به جور، و فقیهان را به حسد، و تجار را به خیانت، و روستایی را به جهالت.

ارکان ایمان -24

أَلْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْكَانٍ: أَلْتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَ التَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ.

ایمان چهارپایه دارد: توکل بر خدا، واگذاردن کار به خدا، تسلیم به امر خدا و رضا به قضای الهی.

تربیت اخلاقی -25

«دَلِّلُوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ، وَ قَوِّدُوهَا إِلَى الْمَكَارِمِ. وَ عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْجِلْمَ»

اخلاق خود را رام خوبی‌ها کنید و به بزرگواری‌هایشان بکشانید و خود را به بردباری عادت دهید.

آسانگیری بر مردم و دوری از کارهای پست -26

«لَا تُدَاقُوا النَّاسَ وَزَنًا يَوْزَنُ، وَ عَظِّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ»

نسبت به مردم، زیاد خرده‌گیری نکنید، و قدر خود را با کناره‌گیری از کارهای پست بالا برید.

نگهبانان انسان -27

كَفَى بِالْمَرْءِ حِرْزًا، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَ مَعَهُ حَقَظَةٌ مِنَ اللَّهِ يَحْفَظُونَهُ أَنْ لَا يَتَرَدَّى فِي بُئْرٍ وَلَا يَفْقَعَ «عَلَيْهِ حَائِطٌ وَلَا يُصِيبُهُ سَيْعٌ، فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُ خَلُّوا بَيْتَهُ وَ بَيْنَ أَجْلِهِ»

آدمی را همین دژ بس که کسی از مردم نیست، مگر آن که با او از طرف خدا نگهبان‌هاست که او را نگه میدارند که به چاه نیفتد، و دیوار بر سرش نریزد، و درنده‌ای آسیبش نرساند، و چون مرگ او رسد او را در برابر اجلس‌رها سازند.

روزگار تباهی‌ها -28

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُعْرِفُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ وَلَا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُؤْتَمَنُ فِيهِ إِلَّا الْخَائِنُ وَلَا يُخَوَّنُ إِلَّا الْمُؤْتَمَنُ، يَتَّخِذُونَ الْغَنَى مَعْتَمًا وَ الصَّدَقَةَ مَعْرَمًا وَصِلَةَ الرَّجِمِ مَتًّا، وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ وَ تَعَذِّيًّا وَ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ سُلْطَانِ النِّسَاءِ، وَ مُشَاوَرَةِ الْإِمَاءِ، وَ إِمَارَةِ الصِّبْيَانِ «.

زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن ارج نیابد، مگر فرد بی‌عرضه و بی‌حاصل، و خوش طبع و زیرک دانسته نشود، مگر فاجر، و امین و مورد اعتماد قرار نگیرد، مگر خائن و به خیانت نسبت داده نشود، مگر فرد

درستکار و امین! در چنین روزگاری، بیت المال را بهره شخصی خود گیرند، و صدقه را زیان به حساب آورند، و صله رحم را با منت به جای آرند، و عبادت را وسیله بزرگی فروختن و تجاوز نمودن بر مردم قرار دهند و !این وقتی است که زنان، حاکم و کنیزان، مشاور و کودکان، فرمانروا باشند

زیرکی به هنگام فتنه -29

«كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّيْثِ لَا ظَهَرَ قِيْرُكَبَ، وَلَا صَرَغَ قِيْخَلْبَ»

هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش که نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند.

اقبال و ادبار دنیا -30

«إِذَا أَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلَى أَحَدِ أَعَارِثِهَا مَحَاسِنَ غَيْرِهَا، وَإِذَا أَدْبَرْتَ عَنْهُ سَلْبَتُهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ»

چون دنیا به کسی روی آرد، نیکویی های دیگران را بدو به عاریت سپارد، و چون بدو پشت نماید، خوبی هایش را بر باید.

ناتوان ترین مردم -31

«أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»

ناتوان ترین مردم کسی است که توان به دست آوردن دوستان را ندارد، و ناتوان تر از او کسی است که دوستی به دست آرد و او را از دست بدهد.

فریاد رسی و فرج بخشی گرفتار -32

«مِنْ كَقَارَاتِ الدُّثُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ»

از کقاره گناهان بزرگ، فریاد خواه را به فریاد رسیدن، و غمگین را آسایش بخشیدن است.

نشانه کمال عقل -33

«إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ»

چون خرد کمال گیرد، گفتار نقصان پذیرد.

رابطه با خدا -34

«مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَا. وَ»
«مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ»

آن که میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح می کند و آن که کار آخرت خود را درست کند، خدا کار دنیای او را سامان دهد. و آن که او را از خود بر خویشتن واعظی است، خدا را بر او حافظی است.

افراط و تفریط -35

«هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُجِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالَ»

دو تن به خاطر من هلاک شدند: دوستی که اندازه نگاه نداشت و دشمنی که بغض - مرا - در دل کاشت

روایت و درایت -36

«إِعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رَعَايَةٍ لَاعَقْلَ رَوَايَةٍ، فَإِنَّ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ، وَ رَعَايَةُ قَلِيلٌ»

هر گاه حدیثی را شنیدید آن را با دقت عقلی فهم و رعایت کنید، نه بشنوید و روایت کنید! که راویان علم بسیارند و رعایت کنندگان آن اندک در شمار.

پاداش تارک گناه -37

«مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُعْظَمُ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ كَعَفَى، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»

مُزد جهادگر کشته در راه خدا بیشتر نیست از مرد پارسا که - معصیت کردن - تواند - لیکن - پارسا ماند و چنان است که گویی پارسا فرشته‌ای است از فرشته‌ها.

پایان ناگوار گناه -38

«أَذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّيَعَاتِ»

به یاد آرید که لذتها تمام شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی.

صفت دنیا -39

«فِي صِفَةِ الدُّنْيَا: تَعْرُ وَ تَصُرُّ وَ تَمُرُّ»

در صفت دنیا فرموده است: می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد.

دینداران آخر الزمان -40

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ. مَسَاجِدُهُمْ يَوْمِئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى. سُكَّانُهَا وَ عِمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ، مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ. يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا. وَ يَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ إِلَيْهَا. يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «قَبِي حَلَفْتُ لَا بَعَثَنَّ عَلَى أُولَئِكَ فِتْنَةً أَتْرُكَ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانٌ» وَ قَدْ فَعَلَ. وَ تَحْنُ تَسْتَقِيلُ. اللَّهُ عَثْرَةُ الْعَقْلَةِ»

مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن، در آن روزگار ساختمان مسجدهای آنان نو و تازه ساز است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند، فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان درآویزد.

آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند، و آن که از آن پس افتد به سوبش برانند. خدای تعالی فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که بردبار در آن سرگردان ماند» و چنین کرده است، و ما از خدا می‌خواهیم از لغزش غفلت درگذرد. نظرات بینندگان

منبع خبر: فارس